

شرح موضوعی فصوص الحکم

محيی الدین ابن عربی

پژوهش و نوشته:

قاسم میر آخوری

www.ketab.ir

انتشارات فهرست

شرح موضوعی فصوص الحکم محیی الدین ابن عربی

پژوهش و نوشته: قاسم میر آخوری

طرح جلد: گل محمد تاج محمدی

حروفچین و صفحه آرا: لادن جوانی

چاپ اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بهاء: ۷۶۰۰۰ هزار تومان

حق چاپ محفوظ است

تلفن مرکز پخش: ۰۲۱-۵۵۱۰۰۷۱۳

سرشناسه :	میر آخوری، قاسم، ۱۳۳۰ -
عنوان قراردادی :	فصوص الحکم، فارسی، شرح
عنوان و نام پدیدآور:	شرح موضوعی فصوص الحکم / پژوهش و نوشته قاسم میر آخوری.
مشخصات نشر :	تهران: فهرست، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری:	۷۳۲ ص.
شابک :	۷۶۰۰۰۰ ریال : 978-964-6331-87-5
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت :	کتاب حاضر شرحی بر کتاب «فصوص الحکم» تألیف محمدبن علی ابن عربی است.
یادداشت :	کتابنامه.
یادداشت :	نمایه.
موضوع :	ر: ابن عربی، محمدبن علی، ۵۶۰ - ۶۳۸ هـ. فصوص الحکم - نقد و تفسیر
موضوع :	Arabi, 1165 - 1240 . Fousus al- hekam -
	- Criticism and interpretation
موضوع :	عرفان — متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع :	Mysticism -- Early works to 20th century
موضوع :	تصوف — متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع :	Sufism -- Early works to 20th century
موضوع :	فلسفه اسلامی — متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع :	Islamic philosophy -- Early works to 20th century
شناسه افزوده :	ابن عربی، محمدبن علی، ۵۶۰ - ۶۳۸ هـ. فصوص الحکم. شرح
رده بندی کنگره :	BP ۱۳۹۶۲۸۳ ۰۴۲۲۷۸ ۶۰۴۲۲۷۸ / ف ۲ الف
رده بندی دیویی :	۸۳ / ۲۹۷
شماره کتابشناسی مل:	۴۶۵۲۱۳۷

فهرست

- ۳..... پیشگفتار
- ۱۳..... شارحان فصوص الحکم
- ۲۱..... سوفیای جاودانه
- ۲۲..... شرح دیباجه فصوص الحکم (کلمه)
- ۲۵..... نماد آگاهی بخش خدا در واژه (چهره) آدم
- فیض اقدس و فیض مقدس، انسان کامل، آینه.
- ۳۱..... نماد آگاهی بخشی دمیدن (بخشش خداوندی) در واژه (چهره) شیث
- قضا و قدر.
- ۳۵..... نماد آگاهی بخش آفرینی آلائش در واژه (چهره) نوح
- تزیه و تشبیه.
- ۵۷..... نماد آگاهی بخشی والایی میراث در واژه (چهره) ادریس
- سبوح و قدوس، تقدیس، علوم مکان و علوم مکات، شاره یک بنیاد همه شماره‌ها.
- ۶۱..... نماد آگاهی بخش سرگشتگی و شیدایی در واژه (چهره) ابراهیم
- مهمه، خلیل، الوهیت، ذات.
- ۶۷..... نماد آگاهی بخشی خدایی در واژه (چهره) اسحاق
- قربانی، خواب، خیال (پندار)، حضرات خمس (پایه‌های پنجگانه).
- ۷۷..... نماد آگاهی بخش بلند پایه و نیرومندی در واژه (چهره) اسماعیل
- بهشت و دوزخ، عذاب، الله، رب و عبد، ربوبیت و عبودیت.
- ۸۷..... نماد آگاهی بخش مهر و فرامین خدا در واژه (چهره) یعقوب
- اسلام، انقیاد، جزا و عادات، گوناگونی آیین‌ها و کیش‌ها، شریعت، آموزه‌های عربی، درنشدن
- ۹۱..... نماد آگاهی بخشی روشنایی و فروغ در واژه (چهره) یوسف
- خیال (پندار)، جهان خیالی بیش نیست، وحی، خواب (رؤیا)، سایه، نور.
- ۱۰۹..... نماد آگاهی بخش یکتایی خدا در واژه (چهره) هود
- راه راست، همه راه‌ها به خدا باز می‌گردد، راه خدا، راه پیروزمند، راه پروردگار، صراط منعم، فرجام و سرانجام راه‌ها به خداست.
- ۱۱۹..... نماد آگاهی بخش گشایندگی و زنجیره‌ای از تابش‌های خدا در واژه (چهره) صالح

توح، رکائب، تثلث، شماره یک، فرمان باش، قرآن بر سه بنیاد: الله، رب، رحمان، شناخت بر پایه سه دانش استوار است، توحید، تثلث در ویژگی‌ها و نه در اقامیم.

نماد آگاهی بخشی آگاهی در واژه (چهره) شعب ۱۲۷

قلب، نفس رحمانی، عماء، رحمت، وجود، تجلی، ذوق، آفرینش نو (خلق جدید)، باور مردمان.

نماد آگاهی بخش نیروی مینوی در واژه (چهره) لوط ۱۵۷

معرفت، همت، همت تنبه، همت اراده، همت حقیقت، نیرو.

نماد آگاهی بخش راز سرنوشت در واژه (چهره) غزیر ۱۷۵

زمان (قدر)، ولی، نبی، رسول، ولایت، نبوت و رسالت، نبوت، نبوت عام (همگانی)، نبوت بشری، نبوت ملکی، رسالت، رسالت بشری، رسالت ملکی، ولایت از دیدگاه ابن عربی، ولایت بشری، ولایت خاص و عام، ولایت‌رشتگان تسخیر، ولایت و سنگان بدیر، خرق عادت.

نماد آگاهی بخش پیامبری در واژه (چهره) عیسا ۲۱۳

کالید عیسا، واحد، جبرئیل، اس ایزد.

نماد آگاهی بخش مهرورزی و بخشش در واژه (چهره) سلیمان ۲۲۱

رحمت، رحمت و جوب، رحمت امتنا، تعرف در جهان، آفرینش نو (خلق جدید).

نماد آگاهی بخشی جانشینی در واژه (چهره) داود ۲۴۵

خلافت، خلافت باطنی و خلافت ظاهری، خلافت امام، خلافت عامه و خلافت اولیاء، حروف نام داوود و نام آدم، امامت، اجتهاد.

نماد آگاهی بخشی جان اندیشمند در واژه (چهره) یونس ۲۶۱

ذکر، مرگ، رجعت به سوی خدا

نماد آگاهی بخش جهان ناپیدا در واژه (چهره) ایوب ۲۷۳

جهان ناپیدا، شیطان، آب، فوق و تحت، بهشت جاوید و دوزخ جاوید، خشم خدا، قرب و بُعد، زمان، ازل و ابد، زمان درخواست از خدا، بردباری، توبه، تواب.

نماد آگاهی بخش شکوهمندی خدا در واژه (چهره) یحیا ۳۰۳

جلال و جمال، بعث، یحیا نابودگر مرگ در رستاخیز است، مکاشفه ابن عربی با یحیا، تک نبوت امام یحیا در میان نام‌ها.

نماد آگاهی بخش خویشن‌داری در واژه (چهره) زکریا ۳۰۷

مهرورزی، تجلیات خداوند، تجلی ذات ایزدی برخویش، فیض اقدس، شییث ثبوت، رحمت نخستین آفرینش خدا، ممکنات، اعیان، وجود مطلق و عدم مطلق، نام‌های ایزدی، احادیث مجموع، علل ثانوی، علیت، تجلی نام‌های ایزدی، حق مخلوق به، عماء، کینونت وجودی.

نماد آگاهی بخشی انسانی (از حیوانیت به انسانیت) در واژه (چهره) الیاس ۳۴۱

الیاس همان ادریس است، تشبیه و تنزیه، علت و معلول و علّیت، حق و خلق، آینه، دعا (فراخواندن) خدا

نماد آسمانی بخش برازندگی و شایستگی [در شناخت خدا] در واژه (چهره) لقمان ۳۵۱
احسان، حکمت، حکیم، فیلسوف، اراده و مشیت، مشیت بنده، واژگان (کلمات) خدا پایان ناپذیرند، خدا گوهر هستی است، روزی (رزق)، شرک.

نماد آسمانی بخش امامی در واژه (چهره) هارون ۳۶۳
عبادت، تسخیر، عبادت ذاتی و عبادت وضعی، هوی (عشق).

نماد آسمانی بخش بلندپایگی در چهره موسا ۳۷۱
راز مرگ فرزندان بنی اسرائیل، راز گذاشتن موسا در تابوت، راز رهایی موسا از مرگ، راز باورمندی فرعون، پرسش فرعون از موسا در باره ماهیت خدای موسا، شریعت، راز گریز موسا از بنی اسرائیل پس از کشتن مرد قبطی، همراهی موسا با خضر، تجلی خدا بر کوه طور.

نماد آسمانی بخش سرسختی و پایداری و پناهگاه استوار در واژه (چهره) خالد ۳۹۵
پیامبر برزخی، سمد، جن، برزخ، برزخ راستین، خیال، نفس رحمان، حق مخلوق به، حقیقت کلی.

نماد آسمانی بخش نامی در واژه (چهره) محمد(ص) ۴۰۹
جایگاه و ویژگی های محمد(ص)، ویژگی شش گانه محمد(ص)، کلید دار گنجینه ها، جوامع الکلم، بازمانده پیامبر: عشق به زنان، بوی خوش زن، بوی خوش، نماز، دوست داشتن و عشق، عشق دارای چهار نام است، محبت، عشق مایه پندار معشوق می شود، عشق یردی، عشق مینوی، عشق طبیعی، عشق عنصری، هوی، ود، ویژگی های عاشقان، حالات عاشقان، داستان عاشقان، میدان های عشق زیبایی و عشق، زنان نیمه مردان اند، جایگاه و ارزش زن، رجم شاخه ای از رحمان است، میان رجم و رحمان رستی مهر است، زن در پیوند با مرد بسان پیوند طبیعت به فرامین خداست، گرایش مرد به زن، پیشوایی زنان در نماز، زن (رسایی و پرمایگی و سرشاری زن)، دیدگاه عارفان درباره زنان و مهرورزی به آنان، زنان دارای ویژگی نرنگی و سادینگی هستند، زنان هم از ابدال هستند، برای بری ویژگی های زنان با مردان، زن جایگاه کنش پذیری و پیدایش فرزندان است، صلاه.

پیوست: گزارش و پردازش برخی واژگان ۵۲۵

ابلیس، تشیه و تنزیه، حق مخلوق به، خلافت، صلاه، طبیعت، قضا، رسول، نبی و ولی، ولایت، اولیاء یا انسان کامل، ولایت از دیدگاه ابن عربی، نبوت (پیام آوری).

نمایه ۷۱۷
کتابنامه ۷۲۵

پیشگفتار

سرچشمه‌های اندیشه ابن عربی برگرفته از قرآن و گفتار پیامبر اسلام است. او با بهره‌گیری از قرآن بر این باور است که هر پیامبر، فرستاده‌ای است از سوی خداوند که نشان راه است که راه درست را از بیراهه به مردمانش نشان می‌دهد، هر پیامبر باید به پایه‌ای از بینش و آگاهی درونی رسیده باشد تا همانند آدم نماد خدا در زمین باشد. در قرآن انجمنی از پیامبران و فرستادگان را می‌بینیم که همگی پیام آورانی هستند که هریک با ویژگی ویژه خود به رهنمایی مردمان خویش پرداخته‌اند. در انجمن پیامبران، همه پیامبران یکتاپرست هستند و هر یک از آنان نمادی از نواهای خداوند هستند. کاری که ابن عربی در نوشتار فصوص خود انجام داد، این است که به دست به خوانش پیامبران زده است. او پیامبران را دارای پایه‌های مینوی و درونی گوناگونی دانسته که از راه‌های گوناگون به خدا نزدیک می‌شوند. در پیش گفتار فصوص چنین آمده است که: پیامبر در خوابی او را فرمان داده است که فصوص الحکم را بنگارد، ابن عربی با فراتر رفتن از آنچه درباره پیامبران یکتاپرست در میان مسلمانان رواج دارد، بر این باور است که کارکرد پیامبران افزون بر پیام آوری، نمایندگی یکی از ویژگی‌های ایزدی است که در آدمی نمود می‌یابد. اندیشه او را می‌توان این چنین نشان داد که «هستی» یا «بود» تنها از آن حاست و آدمی و پدیده‌های جاندار و بی‌جان از خود هستی ندارند. او هر آنچه جز خدا را با واژه اعیان ممکنات (نمونه‌های پدیدار شده) نام می‌برد و بر این باور است که این نمونه‌های پدیدار یا سرشت‌های پدیدار، هستی ندارند. برخی اندیشه او را تنها به گونه نمونه‌های فروغ افلاطونی دانسته‌اند و در بسیاری از نوشته‌های خود او را افلاطون دوم نام نهاده‌اند. از ویژگی‌های برجسته اندیشه و آیین ابن عربی، دو ویژگی از همه نمایان‌تر است، درون‌گرایی و به هم آمیختن دیدگاه‌های گوناگون. از ویژگی‌های تصوف او راز گونگی و پوشیدگی است به گونه‌ای که برای همه مردم آشنا نیست و تنها برگزیدگان از آن سر در می‌آورند، از این رو ابن عربی برای آشنایی همگان فرهنگ و آوازه‌گانی را می‌نویسد تا شناخت و آگاهی از نوشته‌هایش برای دیگران آسان شود، با

این همه نوشته‌های او آن چنان پیچیده است که خود شاگردان و شارحان زبردست و کارآمد در دانش فلسفی می‌گویند که همیشه نمی‌توانند درونمایه‌های بنیادین گفته‌های او را دریابند، لیک پارسایی او برای همه آشناست. آیینی که او در پی گسترش آن است نخست با بدگمانی به خرد سنجش‌گر آغاز می‌شود و باور او این است که بینش درونی صوفیانه که از پارسایی بدست می‌آید بهتر و والاتر از خرد نکته‌سنج است و می‌گوید آدم باورمند تنها با روش و شیوه کوشش پارسامشنانه به آگاهی ایزدی می‌رسد و خدا در او می‌تابد و سپس به آگاهی والایی می‌رسد که هیچ اندیشه وری نخواهد رسید.

اندیشه‌های او، مبنای از عرفان تطبیقی، نو افلاطونیان، دانش نجوم و کیمیا و برخی دانش‌های غربی، فروع وسطایی است، با این همه، باید پذیرفت؛ سرچشمه‌ای که ابن عربی از آن بهره برده است: قرآن و روش پیامبر است.

نوشتار پیش‌رو شرح رضای فصوص الحکم است شارحان فصوص بر این باورند که کتاب فصوص گزیده و زبد الدرب و نمونه‌ها، به ویژه کتاب گراسنگ و ارزشمند فتوحات مکیه است آنان که با گزاره‌های بیست و نه گونه ابن عربی در نوشتار فصوص الحکم آشنایی دارند، می‌دانند که ابن عربی در هر فصل گزاره‌هایی چند را به نمایش می‌گذارد و سپس به گونه فشرده در باره آن قلمفرسایی می‌کند. به دیگر سخن گزاره‌های خود نوشته را پردازش می‌کند. برای نمونه در فصل آدم، این گزاره‌ها به چشم می‌خورند: آدم و آفرینش او، انسان کامل، آینه و بستگی آن با آفریدگار و هستی و ... یا در فصل نبی در باره تشبیه و تنزیه و نیز در فصل عزیر در باره قضا و قدر، یا در فصل خالد در باره برزخ، یا در فصل محمدی در باره صلوات و زنان و عشق و زیبایی. کاری که اینجانب در این کتاب انجام داده‌ام با خوانش و پژوهش و گزینش در دیگر نوشته‌های ابن عربی، این گزاره‌ها را در هر فصل به گونه شیوا و ساده و روان و گسترده پردازش کرده‌ام.

همان گونه که بزرگانی چون سید حیدر آملی گفته‌اند، ابن عربی دو کتاب دارد: فصوص الحکم که به وی داده شده است، چنان که خود می‌گوید: من شب هنگام در دمشق خفته بودم، پیامبر را در خواب دیدم، نوشتاری در دست داشت، رو به من کرد و گفت: بگیر، گفتم چه چیزی را؟ گفت: این نوشته را. گفتم: چه کنم؟ گفت: آن را به مردم پیش کش کن تا سودمند شوند. گفتم: فرمان‌پذیری شایسته خدا و پیامبرش باشد؛ همان خواهد شد که به ما فرمان می‌دهند. کتاب دیگر؛ فتوحات مکیه که از او برآمده است.

به باور بسیاری رمز گشایی از کتاب فصوص الحکم، خوانش کتاب فتوحات مکیه است. به گفته زنده یاد محمد خواجوی: فتوحات معدن مکاشفات است که آن مکاشفات زیر بنای کاخ استوار فصوص الحکم باشد. فصوص الحکم گل های چیده شده از باغ وسیع و سرسبز فتوحات است و مأخذ و مبدأ مکاشفات انبیا در رسالتشان، بنابر این کلید فتح فصوص در فتوحات نهفته است و فتوحات دریای جانی است که در بستر آن، آن قدر گوهرهای وجودی بی شمار آرمیده که برای صیادش هیچ مسأله وجودی یا ابهامی در عوالم کون- از مبدأ تا معاد- باقی نمی گذارد. در این صورت فصوص، فرزند فتوحات و عضوی از آن است و حکم تن و روان را دارد- تن زجان نبود جدا، عضوی از اوست- و انسان بدون ورود در شریعة فتوحات، آبشخوری از فصوص نخواهد یافت. (پیشگفتار فصوص الحکم، ص ۳۸).

دکتر ابوالعلاء عقیقی نویسنده مصری در پیشگفتار گرانسنگ و پرمایه خود در شرح کتاب فصوص الحکم این عربی می نویسد: همه نوشته های ابن عربی تا جایی که می دانم از یک سرچشمه برآمده است، آن هم سرچشمه و آبشخور تصوف است و او در همه زندگی خود هم در رفتار و کردار، هم اندیشه آن را بکار بسته است. ابن عربی نه به مانند ابن سینا بود که فلسفه و پزشکی را ریاضیات و تصوف را در هم آمیزد و نه مانند غزالی که در اصول فقه و منطق و تصوف نگارش بسته است و خود را به پیچیدگی های فیلسوفان و پذیرا نبودن اندیشه ها و دیدگاه های آنان بر دیگران که خدانشناس بودند، سرگرم نکرد. همه کوشش خود را بر آن داشت تا پیرامون تصوف قلم فرسایی کند. وی گام نخست را در این راه با نوشته هایی آغاز کرد که زمینه های ویژه داشتند مانند: «التدبیرات الالهیه» که آن را در باره سرزمین آدمی و پیوند میان آدمی و جهان نوشت، «مواقع الجوم» که در زمینه آیین های رهروان راه خداست، «رساله الخلو» که آن را در زمینه پند و اندرز به پیروان و کارهایی که در تنهایی باید به انجام رسانند، نگاشت، «عنقاء مغرب» که در باره احوال نگاشته شده است. ابن عربی پس از این نوشته ها، به نگارش نوشته های سبتر دیگری پرداخت که بخش های عملی و نظری تصوف را داراست، مانند: فتوحات مکیه که آن را در میان سال های ۵۹۸ تا ۶۳۵ نگاشته است. در این نوشتار سترگ به گردآوری پاره هایی از دانش ها پرداخت که نمادی از فرهنگ اسلامی در برخورداری از بیشترین درونمایه های خود بود و همه آن ها را در پیش کاری دانشی بنیادین که همان تصوف باشد و او خود را برای نوشتن در آن زمینه آماده کرده بود، گرد آورد. در پایان راه، در هنگام پختگی خردورزانه و درونی، نوشتار «فصوص الحکم» را نگاشت که فشرده و گزیده ای از اندیشه هایش را نشان می دهد که بیش

از چهل سال، در سینه‌اش به این سو و آن سو می‌زد؛ زیرا او نه چنین جسارتی داشت که همه آن‌ها را هویدا نماید و نه این که به روشنی آن را بنویسد، تا این که آن را در این کتاب آورد و آن را برای مردم آشکار کرد و به همان اندازه که آنان را شگفت‌زده و سپاس‌گزار کرد، ایشان را در درونشان به سرگشتگی و دودلی انداخت.

گرافه نگفته‌ایم اگر پایه و جایگاه و ارزش فصوص الحکم را از همه نوشته‌های ابن عربی بالاتر و ژرف‌تر را از همه بیشتر بدانیم و بالاترین درخشش را در پدید آمدن اندیشه صوفیان، هم در روزگار او و هم در روزگاران پس از او داشته است. ابن عربی دیدگاه «وحدت وجود» را با بهترین شیوه نگاشته است و برای آن واژگان صوفیانه پرمایه و رسایی را ساخته و پرداخته کرده است. برای این کار از هر آبشخوری که توانسته، بهره برده است، مانند: قرآن، گفتار پیامبر، انشراح کلام، فلسفه مشاء، فلسفه نو افلاطونی، گنوسی مسیحی، فلسفه رواقی و فلسفه فیلون یهودی، همچنان که از واژگان اسماعیلیان باطنی، قرامطیان، اخوان‌اصفا و صوفیان مسلمان پیشین بهره برده است. او همه این واژگان را به رنگ و ویژه‌ای برگرداند و درونمایه‌های آن‌ها را دیگرگون کرده است که با آیین و راه روش عرفانی او در «وحدت وجود» هماهنگ باشد. وی این کار در اندیشه‌های صوفیانه اندوخته‌ای از واژگان بر جای نهاد که چند سده، مایه‌ای پر بها برای «مؤمنان وحدت وجود» در جهان اسلام، و زمینه همه گفته‌ها و سخنانی بود که نویسندگان صوفی پیش کشیده بودند، پس از ابن عربی، هیچ صوفی مسلمان نبود، چه چکامه‌سرا و چه نویسند، چه عری و چه فارس و ترک که از فرهنگ واژگان او بهرمند نشده باشد و با بهره گرفتن از واژگان او سخن نگفته باشد، نمی‌گوییم که همه این واژگان فلسفی-صوفیانه رسا و پرمایه‌ای که نه پسندیده در باره آن نوشتار ویژه‌ای را نگاشته است، در فصوص هست، چون فتوحات مکه او در زبان عربی بزرگ‌ترین دانشنامه تصوف باشد که پر از این واژگان است، لیک فصوص بیان و بنیاد این واژگان را داراست و چنان باریک‌بینی دانشورانه و پختگی خردورزانه‌ای دارد که در هیچ یک از نوشته‌های او نمی‌توان یافت. کسانی که از راه و روش صوفیانه او پیروی کرده و از او بهره گرفته‌اند، رویکردشان بیشتر به واژگان ویژه فصوص بوده است.

باید دانست ارزش فصوص الحکم تنها وابسته به واژگانی نیست که صوفیان و شاعران پس از وی این واژگان را پیوسته بکار برده‌اند، بلکه در این نوشتار به پایه و بنیاد اندیشه خود، که همان اندیشه «وحدت وجود» و شاخه‌های دیگری که از آن گرفته شده است، پرداخته است و در دریافتی که از این ایده‌ها بدست آورده است، شیوه ویژه‌ای را برگزیده است که در

دیگر نوشته‌های او همانندی ندارد و در چارچوب دیدگاه بنیادین خود میان همه این ایده‌ها پیوندی پایدار پدید آورده است. بنابراین خوانش فصوص در باره اندیشه صوفیان به ما فشرده یک دیدگاه را پیش کش می‌کند که دارای بخش‌هایی به هم پیوسته هستند، و این پیوستگی با این پرمایگی و رسایی در هیچ یک از نوشته‌های او دیده نمی‌شود. همان گونه که در نوشته‌های صوفیان دیگر که پیش از او بوده است یا پس از او آمده‌اند نیز دیده نمی‌شود، از این رو صوفیان پیشین از سوی فصوص الحکم نیز وامدار ابن عربی باشند.

چکامه‌ها و سرودهای صوفیانه‌ای که مرده‌ریگ سرایندگان پارسی زبان است، واکنشی از همان درون‌ایه‌های تازه‌ای از نویسنده فصوص الحکم (ابن عربی) است که هوش سرشار ایرانی از آن‌ها بهره جسته است و با نوآوری ویژه‌ای آن را به نگارش در آورده‌اند. دل‌های چکامه‌سرایان فارسی و ترک پر شده است از درونمایه‌های «وحدت وجودی» که در برگرفته عشق الهی است. عشق ایزدی که همه هستی در دستان آن و همه چیز بر آن پایدار است، و گفته اندیشه خدا بنیاد هر پدیده‌ای است، او با بخشش‌ها و دهش‌های بی‌پای خود در همه جهان روان است و بسو در کارکرد پدیده‌ها در یکدیگر، کوشش‌گر راستین است. همه پدیده‌ها از او فریده می‌شوند و هر جنبشی از او پدید می‌آید و هر دم سیمای نویی پیدا می‌کند و سیمای ارپایین ندارند و از سیمای پیشین بدر آید و خود را از سیمایی به سیمای دیگر در می‌آورد. جهان پدیده هر دم با آفرینش نو آفریده می‌شوند و در می دیگر نابود و نیست می‌شوند. گرچه ما برای این پی در پی بودن سیماهایی که می‌آیند و می‌روند این آفرینش نو را در باره خود و جهانی که در آن را در برگرفته در نمی‌یابیم. این‌ها برخی از درونمایه‌هایی است که چکامه‌سرایان پارسی زبان و ترک زبان که از پیروان «وحدت وجود» هستند، سروده‌اند و همه این‌ها برگرفته از آیین راه و روش ابن عربی و بخشی از آن چیزی است که او در فصوص الحکم خود به یادگار گذاشته است.

در شرح فصوص از کتاب‌های بسیاری بهره برده‌ام که بخشی از آن‌ها را در اینجا یادآور می‌شوم: شرح فصوص الحکم زنده یاد ابوالعلا عقیفی، فکوک صدرالدین قونوی، لمعات عراقی، شرح فصوص الحکم مؤیدالدین بن محمد جندی (مرگ ۶۹۰ ق)، شرح فصوص الحکم کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی (مرگ ۷۳۶ ق)، شرح فصوص الحکم داوود بن محمود قیصری ساوی (مرگ ۷۵۱ ق)، حل الفصوص امیر سید علی همدانی

(۷۸۶-۷۱۴ ق)، نص النصوص سید حیدر آملی، شرح فصوص شاه نعمت الله ولی کرمانی (مرگ ۸۳۴ ق)، شرح فصوص خواجه محمد پارسا (مرگ ۸۲۲ ق)، شرح فصوص صائن الدین علی بن محمد ترکه (مرگ ۸۳۵ ق)، شرح فصوص تاج الدین حسین خوارزمی (مرگ ۸۳۹ ق)، شرح فصوص نورالدین عبدالرحمان جامی (۸۱۲-۸۹۸ ق)، شرح فصوص بالی افندی (مرگ ۹۶۰ ق)، ممد الهیم حسن زاده آملی، شروح سید جلال الدین آشتیانی (۱۳۸۲-۱۳۰۴ ش)، هدایه الامم یا شرح کبیر فصوص الحکم نوشته آقای غلامحسین رضائزاد، ترجمه زنده یاد محمد خواجهوی، شرح انگلیسی بر کتاب فصوص از رالف اوستین (زادروز ۱۹۲۰) با ترجمه زنده یاد حسین مریدی، ترجمه فصوص الحکم دو بزرگوار محمد علی موحد و محمد علی، کلبدهای فهم فصوص الحکم، عبدالباقی مفتاح ترجمه دکتر داود اسپرهم، شرح فصوص، دکتر عبدالرضا مظاهری، ترجمه شرح فصوص الحکم عقیقی از دکتر: مرالله نکمت و فتوحات مکیه ابن عربی.

در پایان از دو نازنین که با بردباری همیشگی خود مرا در به انجام رساندن این کتاب یاری رسانده اند؛ همسر بزرگوارم سرکار خانم جوانی و سرم آروین سپاس گزارم.

بهار ۱۳۹۶

قاسم میرآخوری